

رضایت، حلقه گم‌شده رابطه جنسی

Photo: B-D-S/bigstockphoto.com

دنا دادبه، پژوهشگر حقوقی

دانشکده حقوق دانشگاه میشیگان، در مقاله‌ای که در ژورنال حقوقی ماه پیش منتشر کرده است، رضایت جنسی را از دیدگاه حقوقی این گونه تعریف کرده است: «توافق صریح و بدون ابهام دو طرف به برقراری رابطه جنسی به صورتی که طرفین مفهوم و معنای آن توافق را درک کرده باشند.»

در چند سطر پیش رو می‌خواهیم بدانیم رضایت جنسی به چه معناست؟ رابطه تجاوز در بستر زناشویی با رضایت جنسی چیست؟ رویکرد کشورهای جهان و ایران به این موضوع چگونه است؟

چند نکته درباره رضایت

- رضایت جنسی ممکن است در هر نقطه از رابطه زناشویی و یا دوستی از سوی یکی از طرفین پس گرفته شود.

- رضایت جنسی باید کاملاً داوطلبانه باشد. به عبارت دیگر رضایت به شروع رابطه جنسی در صورتی به شرط انجام عمل دیگری از سوی مرد مقید شده باشد، واقعی و حقوقی نیست.

- توافق به شروع رابطه جنسی نباید تحت تاثیر عواملی مانند فشار روانی، احساسی، جسمی، مالی، تهدید، اجبار و ترس باشد.

- رضایت قبلی به روابط جنسی به معنای رضایت در برقراری روابط جنسی در آینده نیست.

- همه ما باید درباره رضایت طرف مقابل قبل از هر بار روابط جنسی احساس مسئولیت کنیم. این احساس مسئولیت بدین معنی است که اگر مطمئن نیستیم طرف مقابل به برقراری رابطه راضی است یا نه، قبل از آغاز رابطه جنسی درباره احساسش از او سؤال کنیم.

سکوت علامت رضایت نیست

موقعیت‌های زیر لزوماً به مفهوم رضایت جنسی طرف مقابل نیست:

- رفتار و حرکات بدن، ظاهر فرد، نحوه لبخند زدن و طرز لباس پوشیدن

- قرار دو نفره و یا وجود روابط جنسی در روزها، ماه‌ها و یا سال‌های قبل

- ازدواج رسمی و یا غیر رسمی (بسیاری از تجاوزها در بستر زناشویی رخ می‌دهد و تجاوز در بستر زناشویی به جدیت و اهمیت تجاوز افراد مجرد تلقی می‌شود.)

- سکوت، عدم مقاومت، عدم تحرک و یا انفعال (پس از آغاز رابطه جنسی، سکوت و یا عدم پاسخ طرف مقابل به معنای رضایت او نیست.)

- ناتوانی (افرادی که تحت تاثیر الکل و یا مواد مخدر هستند، در حقیقت ناتوان از ابراز رضایت هستند. مصرف الکل معمولاً سلاحی برای وانمود کردن رضایت طرف مقابل برای خشونت‌گر است.)

تجاوز در بستر زناشویی

نکته این جاست که در صورتی که زن مایل به برقراری رابطه جنسی با همسرش نباشد و مرد بدون توجه به رضایت او با او تماس برقرار کند، تجاوز در بستر زناشویی رخ می‌دهد. تجاوز در بستر زناشویی در حقیقت علاوه بر این که آسیب‌های اساسی و جدی به جسم زن وارد می‌کند، روح و روان او را نیز فلج کرده و همین موضوع سلامت خانواده را نیز به خطر می‌اندازد.

جرم‌انگاری در ایران

قانون مدنی و کیفری ایران نه تنها هیچ اشاره‌ای به تجاوز در بستر زناشویی نکرده است، بلکه بر عکس، عدم رضایت زن در برقراری رابطه جنسی را منشا تخلف زن دانسته است. قانون مدنی ایران در صورتی که زن مایل به برقراری رابطه جنسی نباشد، ضمانت اجراهای سنگینی بر تصمیم او بار کرده است.

اولین ضمانت اجرای قانون مدنی، عدم پرداخت نفقه از سوی شوهر است. به عبارت دیگر در صورتی که زن از برقراری رابطه جنسی با شوهر سر باز زند، شوهر نیز می‌تواند وظیفه مالی خود را در قبال زن انجام ندهد.

دومین ضمانت اجرای عدم تمکین زن، امکان طرح دعوی الزام به تمکین است. با این که تنها ضمانت اجرایی صریح قانون مدنی همان عدم استحقاق نفقه است، با این وجود، رویه عملی دادگاه‌ها چنین است که دعوی الزام به تمکین را می‌پذیرند و زوجه را محکوم به تمکین می‌کنند. جالب این جاست که رویه عملی برخی از دادگاه‌ها نشان داده است در مواردی که امکان الزام زن به تمکین و برقراری رابطه جنسی فراهم نیست، اجازه ازدواج دوم به مرد می‌دهند.

عدم استحقاق اجرت‌المثل سومین ضمانت اجرای عدم رضایت در برقراری رابطه جنسی از سوی زن است زیرا شرط دریافت اجرت‌المثل، عدم خطای زوجه تلقی می‌شود و به نظر حقوق‌دانان عدم تمکین، مصداق بارزی از خطا در انجام وظایف زوجیت است. به عبارت دیگر پس از طلاق، در صورت درخواست زن مبنی بر مطالبه حق‌الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده او نبوده است، دادگاه نسبت به تامین خواسته او اقدام می‌کند. این در حالی است که در صورتی که زن راضی به ادامه رابطه جنسی با همسرش نبوده باشد، پس از جدایی نیز مستحق دریافت اجرت‌المثل نیست.

جرم‌انگاری در جامعه جهانی

تا قبل از تصویب اعلامیه منع خشونت علیه زنان از سوی مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۱، تمام ایالت‌های آمریکا و درصد زیادی از کشورهای اروپایی و استرالیا تجاوز در بستر زناشویی را جرم‌انگاری کرده و برای آن ضمانت اجرایی مقرر کرد.

اعلامیه منع خشونت علیه زنان و به دنبال آن [اعلام روز بیست و پنجم نوامبر](#) به عنوان روز جهانی منع خشونت علیه زنان و فعالیت سازمان‌ها و دولت‌های مختلف در جهانی کردن این حرکت باعث شد تا دبیر کل سازمان ملل در سال ۲۰۰۲ خبر از پیگرد قانونی تجاوز در بستر زناشویی در ۴۰۱ کشور جهان دهد.

کشور لهستان اولین کشوری است که تجاوز در بستر زناشویی را در سال ۲۳۹۱ جرم‌انگاری کرده است و مجازات سنگینی از جمله حبس ابد برای آن در نظر گرفته است. به دنبال لهستان، چک، دانمارک، سوئد و نروژ هر کدام به فاصله پنج سال این موضوع را جرم‌انگاری کرده‌اند. این در حالی است که داکوتای جنوبی اولین ایالت آمریکایی است که در سال ۵۷۹۱ تجاوز در بستر زناشویی را جرم اعلام کرده است. مجازات این جرم در ایالت‌های آمریکا از جریمه ده هزار دلاری تا بیست سال زندان و یا هر دو وجود دارد.

این در حالی است که تجاوز در بستر زناشویی هنوز در بسیاری از کشورها مانند، افغانستان، پاکستان، هند، چین، عربستان سعودی و بسیاری از کشورهای آفریقایی شمالی و شرقی و خاورمیانه به عنوان جرم شناخته نشده است.

آمار چه می‌گوید؟

موسسه تحقیقات سلامت در سال گذشته [اعلام کرد](#) که تا به حال تنها دو پژوهش آماری در مورد تجاوز در بستر زناشویی صورت گرفته است. این سازمان معتقد است آمار تجاوز در بستر زناشویی یکی از پنهان‌ترین موضوعات آماری در سراسر جهان است. همین سازمان آمار تجاوز در بستر زناشویی در سال ۵۱۰۲ را این گونه به تصویر کشیده است:

سی درصد از آمار تجاوز به بزرگسالان در آمریکا توسط همسر رسمی، غیر رسمی، شریک جنسی و یا دوست پسر انجام شده است.

۹ درصد از تجاوزهای گزارش شده توسط همسر و یا همسر قبلی زن صورت گرفته است.

زمانی که رابطه طرفین تحت تاثیر خشونت خانگی قرار دارد، احتمال تجاوز در بستر زناشویی تا هفتاد درصد افزایش پیدا می‌کند.

تنها شانزده درصد از قربانیان تجاوز در بستر زناشویی، موضوع را به مقامات محلی گزارش داده‌اند.

زنان مذهبی و یا دارای پیشینه مذهبی بیشتر از زنان دیگر قربانی تجاوز می‌شوند، چرا که از برچسب گناهکار بودن می‌ترسند و یا احتمال می‌دهند همسرانشان زن دیگری اختیار کند.

۵۶ درصد از زنانی که تجربه محدودی از رابطه جنسی قبل از ازدواج دارند و یا افرادی که تجربه‌ای ندارند، فکر می‌کنند تجاوز در بستر

زناشویی موضوعی معمولی است و آن را گزارش نمی‌کنند.

۵۳ درصد از قربانیان تجاوز در بستر زناشویی قربانی انواع دیگری از خشونت خانگی نیز بوده‌اند.

۹۶ درصد از زنانی که همسرانشان به آن‌ها تجاوز می‌کنند، بیشتر از یک بار قربانی تجاوز در بستر زناشویی توسط همان فرد شده‌اند.

پنج درصد از زنانی که تجاوز در بستر زناشویی را اعلام کرده‌اند، گزارش کرده‌اند که فرزندانشان را نیز به اجبار همسرشان در رابطه جنسی داخل کرده‌اند.

هجده درصد از قربانیان اعلام کرده‌اند که فرزندانشان نیز شاهد تجاوز بوده‌اند.

نکته دردناک این‌جاست که درصد بسیاری از مردم هنوز به تجاوز در بستر زناشویی معتقد نیستند و باور دارند که سکوت در مقابل خشونت‌گر نشانه همسر خوبی بودن است. حقیقت اما این است که تجاوز در بستر زناشویی یکی از انواع مهم خشونت خانگی و هم وزن تجاوز به عنف است. با وجود این که سازمان‌های اجتماعی و جهانی مختلف تمرکز خود را روی این موضوع قرار داده‌اند و سعی کرده‌اند سطح آگاهی عمومی مردم جهان را افزایش دهند، آمارها حاکی از این است که تنها درصد بسیار کمی از زنان، تجاوز در بستر زناشویی را به مقامات محلی گزارش می‌دهند.

گروهی از روانشناسان معتقدند تجاوز در بستر زناشویی بیشتر از این که با هدف لذت جنسی باشد، به قصد نشان دادن قدرت و کنترل انجام می‌شود. تحقیقات همین موسسه نشان داده است دو سوم آمار تجاوز جنسی مربوط به روزهای آخر قبل از وقوع طلاق و یا جدایی همسران است.